

# بررسی تجربیات عرفانی روزبهان بقلی در کشف الاسرار بر اساس نظریه ویلیام جیمز

میلاذ صلاحی خلخالی

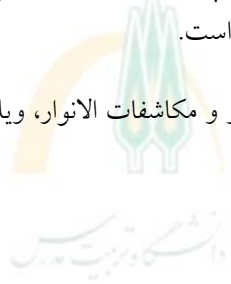
دانش آموخته رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

Miladsalahi99@yahoo.com

## چکیده

مکاشفات عرفانی روزبهان شیرازی در کشف الاسرار و مکاشفات الانوار از شگفت‌انگیزترین تجربیات عرفانی در گستره متون عرفانی است. با تحلیل و طبقه‌بندی این کشفیات می‌توان به فهم بهتری نسبت به ساختار آن رسید. یکی از مهم‌ترین تحقیقات راجع به تجربیات عرفانی مربوط به ویلیام جیمز است که ویژگی‌های بیان‌ناپذیری، معرفت بخشی، انفعالی بودن و زودگذری را بیان کرده است. همچنین با دقت بیشتر در نظریه می‌توان کیفیاتی چون: مقدمات کشف، تشکیکی بودن تجربیات و توجه طبیعت را بر آن افزود. با تطبیق این کیفیات با کشف و شهودهای روزبهان می‌توان گفت کیفیت معرفتی مرکزی‌ترین ویژگی مکاشفات روزبهان است که بیشتر از طریق مفهوم رؤیت حاصل می‌گردد. همچنین هرچند وی در برخی موارد اشاره به توصیف‌ناپذیری تجربیاتش دارد اما برخی روایت‌های او از کشف‌هایش در تقابل با این ویژگی قرار دارد. در مورد زودگذری چندان با توجه به نبود شواهد کافی در متن چندان نمی‌توان رأی متقنی داد. درباره انفعالی بودن او نیز وضعیتی دو گانه در تجربه‌های روزبهان برقرار است. تشکیکی بودن اما ب وضوح در مکاشفات روزبهان پیداست و در نهایت توجه به طبیعت هر چند به گونه‌ای متفاوت اما در کشف‌های روزبهان شیرازی قابل پیگیری است.

کلیدواژه‌ها: روزبهان بقلی شیرازی، کشف الاسرار و مکاشفات الانوار، ویلیام جیمز، تجربیات عرفانی، مکاشفات.



۱. مقدمه

تجربه در کنار سیر و سلوک عرفانی و نظام نظری عرفان همیشه به عنوان یکی از ارکان عرفان به مثابه طریقی برای رسیدن به فنا و بقا در نظر گرفته شده است. هرچند تجربه دینی یا عرفانی اصطلاحی تقریباً نوپدید است اما در ساختار واژگانی و اصطلاحات عرفان و تصوف اسلامی با اندکی اغماض و توسع واژگان زیادی را در زیر چتر خود قرار می‌دهد، واژگانی چون: کشف، مکاشفه، شهود، رویت، محاضره، تجلی، خواطر، لوامع، طوابع، لوايح، وقایع و... روزبهان، خود، در عهده عاشقین درباب کشف این‌گونه می‌نویسد: «اعلم یا اخی، کشف الله لك عجایب الملکوت و انوار الجبروت، که کشف مهیج عشق است و مطایبای محبت و شوقست. بعد از قرب دیده جان عاشق را کشف در کشف است.» (روزبهان، ۱۳۶۶: ۱۲۶) در مصباح الهدایه در تعریف انواع مختلف آن تفاوت‌های بسیار اندکی ذکر شده است «و شهود تجلی افعال را محاضره خوانند و شهود تجلی صفات را مکاشفه خوانند و شهود تجلی ذات را مشاهده.» (کاشانی، ۱۳۹۴: ۱۳۱) همین‌طور در باب این‌گونه اصطلاحات نزدیک به هم در رساله قشیریه آمده است: «و از این جمله لوايح و طوابع و لوامع است. لفظ‌هایست یک بدیگر نزدیک بس فرقی نیست میان ایشان و این صفت اصحاب بدایت بود بنزدیک شدن به دل و روشنایی معرفت ایشانرا هنوز روشن نشده باشد ولیک حق سبحانه و تعالی روزی دل ایشان می‌دهد بھر وقتی» (قشیری، ۱۳۶۱: ۱۱) کشف الاسرار و مکاشفات الانوار، اثر روزبهان بقلی شیرازی عارف شهیر سده ششم و هفتم گزارشی است از مکاشفات و تجربیات شگفت‌انگیز او. از آنجا که بسیاری از نویسندگان عارف با دیدی تعلیمی تمام یا بخشی از کتاب خود را نگاشته‌اند، نکته قابل توجه در باب این کتاب کم‌مانندی آن از لحاظ محتوایی در گستره تاریخ عرفان اسلامی-ایرانی و حتی در پهنه تاریخ عرفان جهانی است. اینکه کتابی به طور متمرکز به بیان مکاشفات و تجربیات عرفانی نویسنده اختصاص بیابد اولاً کم‌یاب و در ثانی به علل مختلف شایان توجه است.

روزبهان بقلی فسایی بنابر بر تصریح قدیمترین شرح حالش (رک، شرف‌الدین روزبهان ثانی ۱۳۸۲: ۲۶) در فسا (پسا)، از بین دیالمه و در ربع اول قرن ششم به دنیا آمد و هشتاد و چهار سال زیست و در طول مدت حیاتش کتاب‌ها و رسالات متعددی نگاشت که شرح شطحیات، منطق الاسرار ببیان الانوار، کشف الاسرار و مکاشفات الانوار، عبهر العاشقین و رسالاتی چون رسالهٔ قدس و غلطات السالکین از آنهاست. آرامگاه وی در مسجد عتیق شیراز، جایی که بارها مجلس وعظ و تذکیر برقرار کرده بود، قرار دارد.

ویلیام جیمز، فیلسوف صاحب نام آمریکایی و بنیان‌گذار مکتب پراگماتیسم، در کتاب خود با نام تنوع تجربهٔ دینی در فصول متعدد جنبه‌های مختلفی از نحوهٔ مواجههٔ انسان با امر دینی را کنکاش می‌کند و نمودهای متنوعی از حیات دینی در صاحبان تجربهٔ دینی در ادیان مختلف را ارایه می‌دهد که دسته‌بندی تجربیات دینی یکی از آنهاست. وی تجربهٔ دینی را دارای ویژگیهای می‌داند که فهرست‌وار عبارتند از: توصیف ناپذیری، کیفیت معرفتی، زودگذری و حالت انفعالی.

## ۲. پیشینه و ضرورت پژوهش

از آنجا که بخش مهمی از ضرورت پژوهش را باید در پیشینهٔ این پژوهش جست این دو عنوان در کنار هم آمده است. در باب دسته‌بندی ویلیام جیمز در یادداشتها، کتب و مقالاتی سخن رفته است که شاید اولین آنها در زبان فارسی ارزش میراث صوفیه (زرین‌کوب، ۱۳۴۴: ۱۱) باشد. و البته تجربیات عرفانی و ربط نسبت آن با مکاشفات عرفانی در اثری مجزا مورد مذاقه قرار گرفته است. (فعالی، ۱۳۸۹) همین‌طور این دسته‌بندی و استفاده از آن در تحلیل تجربیات عرفانی در غزلیات عطار نیز استفاده شده است. (جمشیدیان، ۱۳۹۵: ۱۱) هم چنین کتاب «بی‌خویشی و خویشنداری» به نسبت تجربهٔ عرفانی و اخلاق پرداخته است (شعبانی، ۱۳۹۶) ولی درباب تطبیق مکاشفات روزبهان با نظریهٔ جیمز هنوز مقاله یا کتاب مستقلی نوشته نشده است. اما در مقدمهٔ ترجمهٔ کشف الاسرار و مکاشفات الانوار حسینی مترجم این اثر در سه صفحه در یادداشتی سخن از این تطبیق به میان آورده است. (روزبهان، ۱۳۹۰: شانزده تا هجده) و در مقاله‌ای دیگر در یک صفحه به این مطلب در کنار سایر موضوعات پژوهش پرداخته شده است که بنابر تصریح نگارندگان بر اساس رویکرد نقشگرایی هیلیدی است و طبعاً با موضوع این مقاله تفاوت‌های اساسی دارد. (میلادی، ۱۳۹۷: ۸۷)

در این میان ادعای نگارنده در باب ضرورت و تازگی پژوهش در سه دلیل است اول اینکه باید توجه داشت و در واقع این پژوهش بر این پایه استوار است که اولاً نگاه جیمز در باب تجربیات و احوال عرفانی به همین چهار ویژگی گفته شده محدود نمی‌شود و در خلال کتاب خود یعنی تنوع تجربهٔ دینی و فصل شانزدهم و هفدهم آنکه مربوط به عرفان است و این دسته‌بندی در آن قرار دارد به ویژگیهای دیگری نیز در باب این تجربیات اشاره دارد که در هیچ کدام از موارد فوق‌الذکر به آن اشاره‌ای نرفته است. دوم اینکه در همان چهار ویژگی نیز مواردی وجود دارد که از سوی محققان چندان به آن توجهی نشده است و تمرکز بر آن می‌تواند کار فهم و طبقه‌بندی تجربیات را تسهیل کند که در خلال این مقاله به آن‌ها اشاره می‌شود و درباب آنها به تفصیل سخن خواهد رفت. سر آخر اینکه در دو مورد پیشین با وجود کوتاهی آن‌ها نتایجی به دست آمده است که با طبقه‌بندی و نتایج این پژوهش تفاوت دارد. در مقدمهٔ مترجم نتیجهٔ کلی وجود تطابق منظور گردیده (همان: ۹۷) و در مقالهٔ گفته شده نتیجه گرفته شده است که ویژگی توصیف ناپذیری وجه مشخص در نظر گرفته شده است که با توضیحات و نتیجهٔ این پژوهش تفاوت‌های بیینی دارد.

## ۳. ویژگی تجربیات عرفانی از منظر ویلیام جیمز

جیمز چهار ویژگی کلی و چند نکته و موضوع دیگر را در باب تجربیات عرفانی مطرح می‌کند که عبارتند از:

### ۱-۳ بیان ناپذیری:

«مشخص‌ترین نشانه‌ای که به عنوان صفتی برای حالات عرفانی استفاده می‌کنم سلبی است. یعنی موضوع آن بی‌درنگ

به ما می‌گوید قابل شرح و بیان نیست و گزارشی کامل و مناسب از جزئیات آن را نمی‌توان در قالب کلمات آورد.» (جیمز، ۱۳۹۱: ۴۲۲)

### ۲-۳ کیفیت معرفتی:

«از نظر کسانی که این حالات را تجربه می‌کنند این حالات شبیه حالت دستیابی معرفت نیز می‌باشد. به زعم عرفا، آدمی از طریق حالات عرفانی به عمق حقایقی دست می‌یابد که با عقل و استدلال میسر نیست. این حالات مکاشفه و الهام سرشار از معنا و اهمیتند و چندان قابل بیان و توصیف نیستند اما احساس حجیتی به آدمی می‌بخشند که تا پایان عمر اثر آن از بین نمی‌رود.» (همان: ۴۲۴)

در ادامه وی به دو ویژگی دیگر اشاره می‌کند که هرچند بنا بر گفته او قطعیت ندارند اما معمولاً در میان عرفا دیده می‌شود، که عبارتند از:

### ۱-۲-۳ زودگذری:

«حالات عرفانی نمی‌توانند زیاد ادامه یابند. به جز موارد معدودی، این حالات به مدت نیم‌ساعت یا حداکثر یکی دو ساعت طول می‌کشد. و بعد از آن عارف به حالات عادی زندگی برمی‌گردد.» (همان: ۴۲۳)

### ۲-۲-۲ حالت انفعالی:

«وقتی که این حالت به عارف دست می‌دهد گویی نیروی برتری او را به تسخیر خودش درآورده است» (همان: ۴۲۴) به جز این موارد که خود جیمز مشخصاً به آن‌ها اشاره می‌کند می‌توان در بین نظریات و دسته‌بندی‌های او ویژگی‌های دیگری را نیز برای تجربیات عرفانی پیدا کرد و آن‌ها را نیز در این مطالعه تطبیقی مطمح نظر قرار داد که این مشخصات به قرار زیر است:

### ۱-۲-۲-۱ تشکیکی بودن:

از نظر ویلیام جیمز طیف وسیعی از تجربیات و حالات وجود دارند که ذیل عنوان عرفانی یا دینی دسته‌بندی می‌شوند و سلسله تحولاتی هستند که از مبدا تا شکوفایی کامل می‌توانند مورد مطالعه قرار گیرند. وی می‌نویسد: «ساده‌ترین تجربه عرفانی ظاهراً آن حس ژرف و عمیق مفهوم یک سخن قصار یا قانونی است که گاهی بر ذهن کسی خطوط می‌کند.» (همان: ۴۲۵) و گاهی این تجربه شدت، تعالی و تکاملی شگفت‌انگیز می‌یابد و این‌گونه است که «در برخی حالات رویایی دیگر به آگاهی عرفانی عمیق‌تری می‌رسیم.» (همان: ۴۲۷) و حتی ممکن است عارف به درک حضور بی‌واسطه خداوند برسد. (همان: ۷۳) که در نظر برخی محققان اس و اساس تجربه دینی همین ادراک بی‌واسطه خداوند است. (آلتون، ۱۳۸۹: ۳۳)

### ۲-۲-۲-۲ مقدمات و تمهیدات:

به عقیده جیمز می‌توان با کارهایی به عنوان مقدمه دریافت کشف‌ها و تجربیات را تسریع و تسهیل کرد. که تحقیق در باب این مقدمات می‌تواند یکی از کاربردی‌ترین موضوعات در پژوهش تجربیات عرفانی باشد و برای انسان امروز، در عصر غیبت معنا و امرمتعالی موضوعی مهم باشد. جیمز مینویسد: «وارد شدن حالات عرفانی را می‌توان با اعمال ارادی مقدماتی، نظیر متمرکز حواس، یا انجام برخی حرکات بدنی یا به شیوه‌های دیگری که در دستورنامه‌های عرفا آمده است، تسهیل نمود.» (جیمز، ۱۳۹۱: ۴۲۴)

### ۳-۲-۲-۳ مسئله طبیعت:

جیمز در مورد طبیعت و رابطه آن با کشف و شهود نیز نظر جالبی دارد: «بعضی از جنبه‌های طبیعت ظاهراً دارای نیروی خاص بیدار کردن و برانگیختن چنین حالات عرفانی است. بیشترین موارد جذابی که من گردآورده‌ام در محیط طبیعت رخ داده است.» (همان: ۴۳۷)

همچنین وی به مواردی چون انتقال ناپذیری و ویژگیهای دیگری اشاره می‌کند که علی‌رغم اینکه در تحقیقات دیگری که پایه آن نظریات و بلیام جیمز است (همانند سه مورد بالا) کمتر مورد توجه قرار گرفته، چون می‌توان در موارد بالا آنها را طبقه بندی کرد، یا در تحقیق حاضر مدخلیت ندارد. از ذکر و توضیح آن صرف نظر شد.

#### ۴. ویژگی‌های تجربیات عرفانی در مکاشفات روزبهان

##### ۴-۱ بیان ناپذیری:

در باب بیان ناپذیری کشفیات روزبهان از دو منظر می‌توان سخن گفت و از دو دیدگاه به مسأله نگرست و این مکاشفات را دو گونه دید. روزبهان در برخی مکاشفات بعد از گذشت سالها از تجربه آن مکاشفه چنان جزئیاتی از کشف را بیان می‌دارد که گویی مقوله بیان ناپذیری در وی چندان رخ ننموده است. وی در کشفی که به رویت رسول الله (ص) نایل شده است جزئیات را به دقت تمام عرضه می‌کند « در میان ایشان رسول الله را دیدم که چون شمامه کافوری از نور سپید یا شاخه‌ای از درخت بان بود. از همه صحابه بلند قامت‌تر بود و لباسی پشمینه به بر داشت و بر سر او قلنسوه بود. دو گیسوی او به زیباترین صورت آراسته شده بود، رویش چون خورشید رخشان خندان و دو گونه‌اش از نور سرخ زیباتر بود، در حالی که پشت به زمزم ایستاده بود به سوی من آمد.» (روزبهان، ۱۳۹۳: ۱۲۳) همچنین «چون بازگشتم در پشت خود یکی از ایشان را دیدم که سواره بود و جامه‌ای به رنگ آبی به بر داشت که من چون آن را هرگز ندیده بودم. او اسب خویش را تازاند در حالی که به زیباترین صورتی افسار اسب را در دست داشت و با من سخن می‌گفت.» (همان: ۱۲۵) و در برخی کشفیات دیگر نیز این روایت دقیق تکرار می‌شود. اما در مقابل وی در برخی کشفیات خود سخن از توصیف ناپذیری تجربه خود دارد: «در سراپرده‌های حضرت الهی، حق سبحانه را با صفات جمال و جلال دیدم که به سوی من می‌آمد به صورتی که از یادکرد آن عاجزم.» (همان: ۱۴۸) و یا «من نمی‌توانم صفت آنچه را که در آن دیدار جمال و جلال و نور و شکوهمندی خداوندی بر من گذشت، بیان کنم.» (همان: ۲۱۵) همچنین در موارد مختلفی تجربه تحیر، تجربه کانونی روزبهان است که ربط و نسبت وثیقی با بیان ناپذیری دارد: «پس حق سبحانه و تعالی را دیدم که به صفت قدیم از بطن ازل آشکار شد. فریادی برآوردم و متحیر و سرگشته به وجد برخاستم.» (همان: ۱۳۴) و «روح من، قلب و عقل و دل من، در دریاها معرفت و سرگشتگی و قدس و تنزیه و ازل و ابد وی به صفت تحیر در شکوه فنا شناور بود.» (همان: ۱۴۴)

همچنین این بیان ناپذیری و تنگ مایگی زبان برای توصیف کشفها گاهی موجب خروج از هنجار زبانی می‌شود که برای نمونه به برخی از آنها اشاره می‌گردد. پارادوکس: «گویی او را می‌دیدم ولی نمی‌دیدم» (همان: ۱۷۸) آنیمیسما یا انسان نمایی: البته بین انسان نمایی و جاندارگرایی تفاوتی وجود دارد ولی «حد و مرز مشخصی برای این که کجا باید یکی از این دو نوع تلقی را در نظر گرفت وجود ندارد، جز این که به ذوق خود تکیه کنیم و به هر حال تعبیر و تفسیر ما باید پذیرفتنی و قانع کننده باشد.» (شمیسا، ۱۳۷۸: ۱۸۰) بنابراین هر دو ذیل یک عنوان اشاره می‌شود. «مشاهده کردم که تمامی کوهها ذکر می‌گویند. یکی یکی کوهها را دیدم که چون آدمیان کوتاه و بلند بودند. سر برخی بالای دیگر قرار داشت. گویی آسمان به هیأت انسانی به مجلس آمده بود.» (روزبهان، ۱۳۹۳: ۲۱۲) «تمامی عالم از لذت آن به خنده درآمده بودند.» (همان: ۱۵۶) استعاره: «از رهگذر طبقه بندی استعاره‌های محوری هر جریان عرفانی یا هر عارفی را می‌توان به سبک شناسی عرفان او پرداخت.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۵۵۸) در باب استعاره‌های روزبهان نیز «چنین می‌نماید که او هر کلمه‌ای از عوالم روح و ملکوت ترکیب می‌کند و می‌توان این جدول را تا بی‌نهایت گسترش داد.» (همان: ۵۵۹) این استعاره‌ها و اضافه‌های بدیع در کشف الاسرار نیز مکرر در مکرر آمده است و می‌توان آنها را در مقوله توصیف ناپذیری زبان جای داد و تنگ مایگی زبان را باعث خلق استعارات و تشبیهات جدید دانست. نمونه هایی که در کم‌تر صفحه‌ای است که یافت نشود، عباراتی چون: گیسوی صبح قدم، دریای تنزیه، دریاها احدیت، آسمان دیمومیت، صحراهای قدم، عالم قدمیت، صحرای ازل، دریای وحدانیت، ردای کبریا و ...

به منظور تحلیل این دوگانگی باید به موارد مختلفی اشاره کرد. همان‌طور که در نظریات جیمز نیز اشاره شد، مکاشفات دارای مراتب تشکیک است و شدت و ضعف دارد و در کشفیات روزبهان آنجا که تجربه انکشاف الهی رخ می‌دهد سخن از بیان ناپذیری می‌رود، بنابراین گویی فقط آنجا که از ذات خداوندی و انوار ذات او سخن می‌گوید مفاهیمی چون تحیر و فهم بلاکیف و ادراک بی‌چگونه‌الله از زبان او جاری می‌شود. این مورد را می‌توان به دو گونه موجه کرد: قائل به تنوعات کشف و شهود در نظر روزبهان و ویلیام جیمز باشیم و یا فقط آن دسته از کشفیات را که سخن از کشف الهی است و معمولاً سخن از تحیر نیز به میان می‌آید را در دسته بندی تجربیات عرفانی بنامیم.

## ۲-۴ معرفت بخشی:

به نظر می‌رسد نقطه ثقل و مهم‌ترین بخش کشفیات روزبهان بقلی شیرازی کیفیت معرفتی تجربیات اوست. این کیفیت به طرق مختلف روی می‌دهد و تجربیات شگرفی را برای صاحب تجربه به دست می‌دهد و لوازم دریافت این کشف نیز متفاوت و متنوع است. «انواع مکاشفات صوری وابسته با اسماء الهی هستند. اگر اسم بصیر در انسانی ظهور کند، برای او مکاشفات دیداری صورت می‌گیرد و اگر اسم سمیع در انسانی ظهور کند برای او مکاشفات شنیداری محقق خواهد شد، البته امکان دارد که در یک فرد به دلیل قوت استعداد، چند اسم ظاهر شود و در این صورت، مشاهدات صوری متعددی در او ظهور و بروز خواهد داشت.» (فعالی، ۱۳۷۹: ۱۷۹) بنا بر این نکته باید گفت وی تمام انواع مکاشفات را دارد اما اغلب معرفت‌های حاصل شده از طریق کشفیات را برای روزبهان دیداری دانست، نکته‌ای که کدکنی نیز به نوع دیگری به آن توجه می‌دهد: «او تمامی حواس را می‌خواهد به مرکز حس رؤیت و دیدن بکشاند، بر خلاف بهاء‌ولد که می‌کوشد تمام حواس را به قلمروی چشیدن درآورد. چشیدن به تنزیه نزدیک‌تر است از دیدن که مستلزم تشبیه خواهد بود.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۵۶۰) همچنین باید توجه داشت این معرفت لزوماً یا تنها معرفت به امور این جهانی و مادی نیست بلکه گاهی معرفتی تعالی بخش است و طور وال‌تر از اطوار محسوس را در بردارد و آگاهی عظیم‌تری از معرفت‌های معمول است. «به گفته قدیس ترزا خداوند خود را از طریق معرفتی درخشانتر از خورشید بر روح متجلی می‌کند.» (آلستون ۱۳۸۹: ۴۱) حال باید دید روزبهان در این معرفتهایی که از گذرگاه رؤیت حاصل می‌شود چه چیزهایی را می‌بیند؛ می‌توان آنها را در دسته‌های زیر قرار داد:

## ۱-۲-۴ رؤیت خانواده:

وی بارها در مکاشفاتش خانواده‌اش را که شامل پدر و مادر، هسران و فرزندش می‌شود می‌بیند و از چند و چون حال آنان باخبر می‌گردد. «همسر خود را دیدم که نشسته بود و شعر می‌خواند و از من سخن می‌گفت و در انتظار قدم من شادمان بود. من تمامی زنان خویش را دیدم که با نشاط نشسته بودند و فرزندان خود و گروهی از مردم را آنجا دیدم.» (روزبهان، ۱۳۹۲: ۱۳۳) و یا «همسر را دیدم که جامه‌اهل بهشت به تن داشت و به صورت آنان بود. او بر در یکی از قصرها منتظر بود... گروهی از همسران، پسران و دختران و خویشان و نزدیکانم را دیدم و در وجد فرورفتم و دلم به دیدار آنها شاد شد.» (همان: ۱۹۳)

## ۴-۲-۲ رؤیت مشایخ صوفیه و عارفان:

رؤیت صوفیان و عارفان نیز در کشفیات او مختلف است، گاه کلی است: «در آن حال انوار غیب آثار حق را مشاهده کردم و مشایخ هند را دیدم که بر من سلام می‌کردند و مشایخ ترک و خراسان و فارس را دیدم که به من تبرک می‌جستند» (همان: ۱۱۹) گاه دیدار مشایخ و فقها برای او میسر می‌شود: «و شافعی (رضع) را دیدم که در لباس فقیهان بود و زیباروی خوش هیأت و خوش پوش می‌نمود و طیلسانی به بر داشت.» (همان: ۱۶۶) گاه دیدن عارفان میسر می‌شود که شامل استادان او یا همعصرانش و یا عرفای بزرگ پیشین است ولی فقط نامی از آنها می‌برد: «آنگاه شیخ ابوعبدالله خفیف، ابواسحق نیشابوری، جنید، رویم، بایزید بسطامی و مشایخ را دیدم که سوار بر اسب همه با هم به سوی خدا می‌روند» (همان: ۱۸۷) و گاهی نیز آنها را در شکلی خاص و یا صفتی بزرگ می‌بیند: «در میان آنها جنید و رویم

ابویزید بسطامی را دیدم که با دیگر مشایخ روی سوی حضرت الهی کرده بودند و جنید در میان صوفیه چون ماه در میان ستارگان بود.» (همان: ۱۶۵)

### ۳-۲-۴ رؤیت پیامبران و بزرگان دین:

روزبهان بارها و بارها پیامبر گرامی اسلام و دیگر پیامبران و بزرگان دین را در حالات مختلف دیدار می‌کند. «پیامبران و تمامی انبیا و اولیا را دیدم که بر شتران سوار بودند و من نیز در رکاب راست پیامبر سواری می‌کردم.» (همان: ۱۲۵) و یا «پس شیخی پر مهابت را دیدم که از کوه پایین می‌آمد و دو چشم سرخ و شکل و هیأتی عظیم داشت. محاسنش چون برف سپید بود. دانستم که او موسی (ع) است که از طور سینا پایین می‌آید.» (همان: ۱۳۲)

یکی از نکاتی که در داوری در باب تجربیات عرفانی مطرح می‌شود این است که «باورهای صاحبان تجربه عرفانی، پیش دانسته‌ها، پیش داوری‌ها، پیش فهم‌ها و انتظارات آنها چقدر در تحقق خود تجربه عرفانی موثر است» (ملکیان، ۱۳۸۷: ۹۵) در این بحث دو گروه نظرات متفاوتی دارند، گروهی برآنند که پیش‌داشته‌های ما هیچ اثری در تجربه عرفانی ما نخواهند گذاشت و «گویی تجربه عرفانی قلمروی است که ما در آن از همه این امور منخلع، منسلخ و برکنده می‌شویم و به ساحت آن گام می‌نهیم» (همان: ۹۶) و گروهی نیز برعکس معتقدند پیش‌دانسته‌های ما و اعتقادات ما در متن تجربیات عرفانی ما نیز می‌نشیند و در واقع ذهن همچنان به کار خود ادامه می‌دهد و ساختار تجربیات بر بستر فهم‌های پیشینی ایجاد می‌گردد. بنابراین طبقه بندی و با توجه به کشفیات روزبهان بقلی این گونه به نظر می‌رسد دسته بندی دوم بهتر کشف و شهود روزبهان را موجه و طبقه بندی می‌کند. او هرگاه در کشفیاتش برتری و فضل و تقدیمی پیامبری را بر سایر رسولان و اولیا می‌بیند، همیشه پیامبر اسلام (ص) پیشاپیش پیامبران دیگران است و تقدم ایشان بر باقی پیامبران و اولیا و اصفیا آشکار است. «من تمامی پیامبران، رسولان، فرشتگان و اولیا را دیدم. اقدم آنان در حضرت حق و نزدیکترینشان به خدا پیامبر ما بود. پس از او پیامبران اعظم از قبیل آدم، ادریس، نوح، ابراهیم، موسی و هم‌مطرازانشان در میان پیامبران ایستاده بودند.» (روزبهان، ۱۳۹۳: ۱۹۵) یا «پس همگی پیامبران و صدیقان و فرشتگان مقرب را در بارگاه الهی به صفت شیدایی و هیجان دیدم و خداوند تعالی خود را به آنان نمود. جز مصطفی (ص) دیگران از او در حجاب شدند. محمد، (ص) چون حاجبانی به هیأت پادشاهان، بر درگاه جلال الهی ایستاده بود.» (همان: ۲۰۰) همچنین در دیدن صحابه رسول الله (ص) نیز بر طبق دیدگاه‌های خود وی کشف و شهود رخ می‌دهد. «محمد (ص) در جایگاه نزدیک‌ترین مردمان به خدا قرار گرفته بود. پیامبران حلقه زدند و در وسط این حلقه ابوبکر، عمر، عثمان و علی رضی الله عنه بودند و حق تعالی ابتدا بر سر مصطفی و سپس سایر انبیا تثار کرد.» (همان: ۱۲۲) همچنین در بعضی کشفیات رضوان را به عنوان نگاهبان بهشت می‌بیند که باز همین مورد را تأیید می‌کند.

### ۴-۲-۴ دیدن فرشتگان:

در بحث رؤیت فرشتگان نیز جبرئیل در مرکز کشفیات اوست و روزبهان به وسیله او به کیفیات معرفتی متفاوتی می‌رسد، هر چند فرشتگان دیگر نیز در کشف و شهود روزبهان حضور دارند. «و سپاه فرشتگان دیده شدند که از درون غیب بیرون آمدند، در حالی که پیشوایان ایشان جبرئیل و میکائیل و اسرافیل بودند. چهره‌شان چون چهره ترک‌ها و گیسوانشان چون موهای زنان در هم پیچیده بود.» (همان: ۱۲۲) و یا «پس از آن تمامی فرشتگان و جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و تمامی اولیا و صدیقان آمدند و زبان مرا مزیدند.» (همان: ۱۷۵) همچنان که از جبرئیل بارها در متون عرفانی سخن و حدیث نقل شده است (رک، صدری‌نیا، ۱۳۸۸) و در متون عرفانی او را واسطه فیض الهی به قلب عارف می‌دانند و مورد توجه نویسندگان عارف مشرب است، این جا نیز او را با صفاتی برجسته‌تر از سایر فرشتگان می‌بینیم. «خداوند متعال در شب قدر چهره به من نمود و تمام فرشتگان را که به یکدیگر درود می‌فرستادند به ظاهر یشری به من نشان داد. جبرئیل، زیباترین ملایک، آنجا در میان آنان بود.» (روزبهان، ۱۳۹۳: ۱۱۱) لازم به ذکر است که در طبقه بندی مکاشفات از نگاه نجم دایه این کشف‌ها و برخی دیگر مکاشفات روزبهان در مرتبه کشف روحانی قرار دارد «بعد از آن مکاشفات روحی پدید آید و آنرا کشف روحانی گویند. در مبادی این مقام کشف معاریج عرض و جنات

و جحیم و رؤیت ملایکه و مکالمات ایشان پدید آید، و چون روح بکلی صفا گرفت و از کدورات جسمانی پاک گشت، عوالم نامتناهی مکشوف شود، دایره ازل و ابد نصاب دیده گردد. اینجا حجاب زمان و مکان برخیزد، تا آنچه در زمان ماضی رفته است در این حال ادراک شود.» (نجم‌الدین رازی، ۱۳۸۳: ۳۱۳)

#### ۵-۲-۴ رؤیت خداوند:

محوری‌ترین بخش در کشفیات او که از راه دیدن معرفتی عظیم را برای صاحب تجربه به همراه دارد، تجربه حضور، رؤیت، خطاب و تخاطب با پروردگار است که بارها و بارها به طرق مختلف تکرار شده است و در این قسمت به تجربه‌های رؤیت او پرداخته می‌شود:

#### ۱-۵-۲-۴ در مقام صفات :

در این نوع رؤیت خداوند با صفت جمال و جلال الهی به روزبهان رخ می‌نمایند. «... تا اینکه خدای را بلاکیف با صفت جمال و جلال دیدم. اشاره‌ای کرد و سرچشمه‌های نور پیدا شد.» (همان: ۱۵۷) «پس از آن او به صفت جمال و جلال بر من ظاهر شد و مرا در مقام عشق باقی گذاشت.» (همان: ۱۴۳)

#### ۲-۵-۲-۴ در مقام التباس:

همان‌طور که اشاره شد روزبهان در مکاشفات وجه تشبیهی خداوند را بیشتر از وجه تنزیهی دارد و بارها او را در اشکال گوناگون داده است و پس از رؤیت یا گفتگو با خداوند به فهمی عظیم نائل می‌گردد که انواع آنرا خواهیم دید. «از نظر شیخ روزبهان، همان‌طور که گفته شد، هرآینه امکان دارد که خداوند بر هیئتی از هیئت‌هایی که خود می‌خواهد و آن می‌تواند در میان سایر موجودات مشابهی داشته باشد یا نداشته باشد، بر بنده سالک تجلی کند.» (فاموری، ۱۳۸۹: ۱۷۵) در این میان روزبهان عموماً به هیئت خاصی اشاره ندارد و فقط مفهوم التباس را یادآوری می‌کند: «آنگاه هر دم جلال خداوند را در مقام التباس، به هیئتی دلربا می‌دیدم» (روزبهان، ۱۳۹۳: ۱۳۴) یا «حق را دیدم که از قاف تا قاف تجلی یافت. از قاف و سایر کوهها ظاهر شد. سپس از کوه طور سینا به صفت التباس پدیدار آمد» (همان: ۱۳۵) جز این موارد روزبهان خداوند را بارها به صورت انسان در مکاشفاتش می‌بیند. «او در عالمی پر از جواهرات آسمانی بر من ظاهر شد و خود به صورت آدم (ع) در میان این جواهرات بود.» (همان: ۱۴۶) «و خدای را در کسوت چوپانان دیدم که دوکی در دست داشت و یا آن عرش را می‌رشت» (همان: ۱۱۵) و «و همچنین حق را دیدم که در کسوت شیخی بزرگ از کوه فرود آمد.» (همان) با این وجود گاهی روزبهان در پایان مکاشفات از تشبیه تحذیر می‌دهد و تأکید بر تنزیه الهی می‌کند که یا خود برخی از کشفیاتش را شطح گونه می‌بیند و بعد از به خود آمدن قصد اعتذار از آنرا دارد و یا از بیم کج فهمی‌ها و احیاناً ایذای مخالفان این توضیحات را می‌آورد. به عنوان نمونه او بعد از روایت رؤیت الهی اینگونه می‌نویسد: «پیراسته بادا او که از اشاره هر معطل و عبارت هر مشبیه منزه است.» (همان: ۱۴۴)

#### ۳-۵-۲-۴ در مقام ذات:

بسامد این رؤیت نسبت به موارد دیگر بسیار پایین‌تر است و هم بنا بر طبقه بندی‌های مختلف جزو ناب‌ترین تجربیات عرفانی محسوب می‌گردد. در دسته بندی چهار و یا به عبارتی پنج‌گانه نجم‌الدین رازی در مرصاد العباد این کشف بالاترین نوع شهود است و نجم دایه آنرا غیر قابل وصف می‌داند و در حالی که مراتب دیگر را با ذکر شواهدی توضیح می‌دهد در این مورد می‌نویسد: «اما کشف ذاتی مرتبه‌ای بس بلند است، عبارات و اشارات از بیان آن قاصر.» (نجم‌الدین رازی، ۱۳۸۳: ۳۱۵) لازم به توضیح است که توضیحات و نظریات نجم‌الدین رازی خود می‌تواند جداگانه بر روی مکاشفات عرفانی تطبیق یابد و به فهم بهتر آن یاری برساند. روزبهان بسیار کم اذعان به کشف ذات الهی دارد و در همان کشفیات نیز متفاوت بودن آنرا از تجربه التباس و صفات اظهار می‌کند: «گفتم خدای من، سرور و مولای من تا کی تو را به طریق التباس مشاهده کنم؟ به من قدم و بقای خالص خود را بنما. و گفت موسی و عیسی این مقام را درنیافتند. آنگاه خداوند ذره‌ای از نور ذات ازلی خود را مکشوف ساخت، نزدیک بود که جانم از هم متلاشی شود.» (روزبهان، ۱۳۹۳: ۱۲۰)

## ۴-۲-۵-۴ تجربه نور:

روزبهان در شرایط مختلف تجربه رؤیت نور دارد، نور الهی، نور حق، نور مصطفی (ص)، خانه‌ای پر از نور و موارد دیگر. به طور کلی بسامد رؤیت انوار در مکاشفات روزبهان شایان توجه است و گویی بزرگترین تجربه او از تجلی خداوند همان نور است. «سپس نور او در اقطار جهان هویدا شد» (نور جلال او بر تمامی عرش و کرسی و همه آسمان‌ها پراکنده شد) (همان: ۱۳۴) «همه نور در نور، روشنایی در روشنایی، درخشش از پی درخشش و پادشاهی از پی پادشاهی بود.» (همان: ۱۲۵)

## ۴-۲-۵-۵ تصاویر رمزگانی تکرار شونده:

آخرین مورد درباب رؤیت روزبهان، تصاویری تکرار شونده است که رمزگشایی از آن نشانه‌ها فرصت دیگری می‌طلبد. در اینجا فقط به آنها اشاره می‌شود: این تصاویر عبارتند از جواهرات. «دریاها و افلاکی از جواهر آبدار دیدم که بر سرم نثار می‌شد. خدای سبحان را از آن عالم دیدم که گویی از آن جواهرات بر من می‌پاشید.» (همان: ۱۶۰) و گل سرخ که به انحاء مختلف تکرار شده است: گل سرخ به عنوان هدیه‌ای برای روزبهان، گل سرخ در آستین خداوند، نوری مانند گل سرخ، گل سرخ به عنوان لباس خداوند، ظهور خداوند از عالم گل‌های سرخ و... «سپس خداوند از عالم گل‌ها و ریاحین خوشبو و گل سرخ و به صفت جمال و جلال بر من ظاهر شد.» (همان: ۲۰۶) «لباسی از گل سرخ به تن داشت» (همان: ۲۱۱) خود وی در عبهر العاشقین گل سرخ را از درخشندگی و نیکویی خداوند می‌داند. (روزبهان، ۱۳۴۹: ۳۳)

## ۴-۲-۵-۶ نتیجه معرفتی تجربه:

علاوه بر و فارغ از معرفتی که از راه رؤیت الهی نصیب روزبهان شده است. وی گاهی جداگانه نیز به نتیجه معرفتی و تغییر اوضاع فهم خود بعد از کشف و شهودش می‌پردازد که بسیار جالب است و همین موارد است که نشان می‌دهد در بین انواع ویژگی‌هایی که جیمز درباب تجارب عرفانی بیان می‌دارد، کیفیت معرفتی آن در کشفیات روزبهان ظهور و بروز بسیار بیش‌تری دارد. اگر بخواهیم مرکزی‌ترین تجربیات وی را فهرست‌وار بیان کنیم اینگونه خواهند بود، نوید الهی برای برگزیدگی او یا لطفی در آینده، تجربه انس و قرب دوستی با خداوند، تجربه سکون، تجربه شادمانی، تجربه فنای فی الله، فهم یگانگی هستی و وحدت و در مواردی بسیار اندک تجربه عتاب. در تجربیات او که مبتنی بر خشم الهی است نیز علی العموم نوید و نوازش و لطف الهی سر می‌رسد و تجربه وعید و عتاب فرومی‌ریزد. تعداد این کیفیات زیاد است از هر کدام به نمونه‌ای اکتفا می‌شود: نوید و اظهار لطف خداوند سر می‌رسد و آغازی است برای حال مشاهده. خداوند در خطاب به مردم بهشت می‌گوید: «من هر روز هفتاد هزار هزار بار از عالم ازل به این روزنه می‌آیم و به بهشت می‌نگرم به شوق اینکه روزبهان را ببینم.» (روزبهان، ۱۳۹۳: ۱۴۶) و یا «او به من گفت: چرا اندوه به دل راه می‌دهی در حالی که من از آن توام و من برطرف کننده تمامی غمها هستم. من گشاینده‌ای بخشنده هستم.» (همان: ۱۷۰) و «پس خدای تعالی سکینه‌اش را بر من فرستاد.» (همان: ۱۲۱) درباب فهم یگانگی هستی می‌نویسد: «هنگام سپیده‌دم جهان از حق پر شده بود» (همان: ۱۴۸) و در باب وحدت: «پس مرا به صفاتش متصف کرد و مرا با ذات خود یکی گردانید. آنگاه خود را دیدم، گویی او را می‌دیدم و چیزی جز نفس خود را به خاطر نیاوردم.» (همان: ۱۷۷) تجربه فنا را اینگونه وصف می‌کند: «و گفت: کل شیء هالک إلا وجهه و این مقام وحدت و فنا است. پس متحیر و فانی شدم و ندانستم که کجا بودم.» (همان: ۱۵۳) در مقام انس و قرب الهی می‌گوید: «شادمانی و نشاط و انس و خوشی را دریافتم و هر حجاب و عتابی از خاطر من دور شد... روش بندگی بر من سهل شد و توان حمل بارها به امید رسیدن به ربوبیت دو چندان گشت.» (همان: ۲۰۸) «او باده قرب و انس به من پیمود.» (همان: ۲۰۹)

## ۴-۲-۵-۷ زودگذری:

همچنان که در دیگاه جیمز تجربیات عرفانی عموماً زودگذر است در سنت عرفانی ایرانی-اسلامی تفاوت‌های در آن در نظر گرفته شده است و احوال «برق جهان» است در حالی که برخی دیگر واردات مدت زمان بیشتر می‌پایند. با تحلیل



مکاشفات روزبهان باید این موضوع را به این شکل توضیح داد: روزبهان معمولاً اشاره‌ای به مدت زمان پایداری مکاشفات خود نمی‌کند اما در برخی جاها که اشاره‌ای گذرا به آن دارد، برعکس نظریه جیمز به طولانی بودن مکاشفات اشعار می‌دهد، « با دیدن جمال او و لطف او نسبت به خودم شادمان شدم و به این ترتیب ساعاتی بر من گذشت.» (همان: ۱۴۴) و یا «پس تا صبح در وجد و حال ماندم در حال که می‌گریستم و زاری می‌کردم. آنگاه او خود را هر ساعت به صورتی تازه از شمایل انوار قدیم به من نمود.» (همان: ۱۴۰) و « پس از آن بارها او را ساعت به ساعت با جمال و جلال و شکوهش مشاهده کردم.» (همان: ۱۴۹) «او به صفت جلال و عظمت بر من آشکار شد و ساعتی را در کنار من ماند، و در هر ساعتی وی از شاخه‌های صفت ازلی و ابدی بر من آشکار می‌شد... مرا مورد خطاب قرار داد و ... از آن سخن چیزها دریافتم که از میان آن پوشیدگی‌های مراسم شب قدر بود. بیشتر شب گذشت، سپس بیدار شدم.» (همان: ۱۸۶)

### ۳-۴ حالت انفعالی :

همان‌طور که گفته شد جیمز در باب این ویژگی می‌اندیشد که هنگام ایجاد آن فرد در تصرف اراده‌ای بسیار بزرگ‌تر از خودش قرار می‌گیرد و بالطبع اراده او در اراده بزرگتر محو می‌شود. این ویژگی را می‌توان در تجربیات حیرت و فنا در مکاشفات روزبهان دید: «او یکباره بر من از عالم غیب ظاهر شد. در آن هنگام نتوانستم خود را از حیرتی که بر من چیره بود رها کنم.» (همان: ۱۲۷) یا «پرده‌های غیبی را مشاهده می‌کردم، از آنچه حق تعالی در حق اولیاء خود نثار می‌کند متحیر شدم.» (همان: ۱۷۹) اما از آن سوی نمونه‌هایی در کشف الاسرار و مکاشفات الانوار وجود دارد که نمی‌توان آنرا بر اساس انفعال صاحب تجربه فهم کرد. در برخی مکاشفات او نیز با خدا سخن می‌گوید و سوال می‌پرسد. گاهی این سخن شبیه به احتجاج می‌شود و گاهی انبساط و صمیمیت بسیار زیاد می‌شود. در حین مکاشفه‌ای احساس می‌کند که این تمام آنچه می‌خواسته نبوده است پس «چون هنگام سحر نزدیک شد، مرا امر به انجام وظیفه نمود. گفتم من هنوز آرزوی تو را دارم. به عزت و بزرگواریت سوگند که طعم محبتت را به من بچشان ... ا. گفت: برخیز و بالای بام برو.» (همان: ۱۵۷) «گفت: به عین عیان به من بنگر... گفتم خدایا گوش و چشم و زبان و قلب و روح و عقل و تمامی وجود من باش و مرا در دریا‌های الوهیت غرق کن.» (همان: ۱۹۳) گاهی نیز در حین رجوع کردم و ... دانستم که این برای من بشارتی است و به وقت سحر در انتظار طلوع صبح ازل نشستم.» و یا «من از ظهور او میان عرش و کرسی متعجب بودم. به خاطر گذشت که او از عرش و کرسی و مکان منزّه است، چون این اندیشه در ذهنم گذشت، عرش و کرسی را چونان غباری دیدم که از هیبت جلال او فانی شده‌اند.» (همان: ۱۵۰) بنابراین موارد، حالت انفعالی مورد نظر جیمز را نمی‌توان به طور کامل با مکاشفات روزبهان منطبق دانست.

### ۴-۴ تشکیکی بودن کشفیات:

همانگونه که جیمز تجربیات عرفانی را دارای قوت و ضعف می‌داند و آنرا از مراتب دانی تا عالی دسته‌بندی می‌کند، در کشف الاسرار نیز با توجه به تعدد و تنوع مکاشفات و مشاهدات چنین ویژگی‌ای به چشم می‌خورد و از احساس گذرا تا آنچه آگاهی بی‌واسطه به خداوند است، (رک، آلتون، ۱۳۸۹: ۳۵) را در برمی‌گیرد. در برخی مکاشفات تنها سخن از واردی زودگذر است و و خطاب، نه مشاهده. در خطاب‌ها نیز گاهی رابطه من تویی با خداوند برقرار می‌شود و گاهی آیه‌ای از قرآن کریم بر او وارد می‌شود و خداوند مستقیم با او سخن نمی‌گوید. گاهی صدا متعلق به خداوند نیست و گاهی از خداوند است. «صدای گوینده‌ای را شنیدم که می‌گفت من مشتاق پشیمانی هستم. همچنین برخی ابیات قوالا را شنیدم. دانستم که در محلّ خطاب الهی قرار گرفته‌ام... ناگهان کسی بر در کوید دانستم که خدای تعالی از من می‌خواهد که برخیزم، پس برخاستم و وضو گرفتم.» (روزبهان، ۱۳۹۳: ۱۸۲) و یا «پس از سپیده دم، امری از اوامر خداوند فرود آمد و و مرا از دیدن و مصاحبت با امری در آن وقت آزاد ساخت.» (همان: ۲۲۰) بنابراین باید گفت طبقه بندی مکاشفات در کشف الاسرار روزبهان طیف بزرگی را در برمی‌گیرد، از شنیدن صدایی که او را از امری آگاه

می‌سازد، ولو این صدا صدای کلاغی باشد و برای او نوید بخش امری، تا صدای خداوند. از دیدن هسمرش تا دیدن ذات خداوند. به این ترتیب تفاوت واردات در تجربیات عرفانی او مشهود است.

#### ۵-۴ تمهیدات و مقدمات تجربه عرفانی:

جیمز مانند بسیاری از محققان عرفان و نویسندگان متون عرفانی توجه دارد که هر چند مکاشفات دفعتا و ناگهانی رخ می‌نمایند و آمدنی هستند نه آموختنی، اما می‌توان با تمهیدات احتمال ایجاد آنرا افزود و یا حداقل می‌توان فهمید علی العموم در چه حالاتی مکاشفات و تجربه‌های عرفانی بیشتر ظهور می‌کنند. در روایت‌هایی که روزبهان از مکاشفاتش به دست می‌دهد، این مقدمات و حالات ابتدایی را به این شکل معرفی می‌کند: که هر کدام را چند نوبت تکرار کرده و به عنوان نمونه از هر کدام موردی آورده می‌شود: وضو و نماز و یا سجده: «پس وضو ساختم و دو رکعت نماز یگزاردم. در هنگام نماز وجد بر من چیزه شد.» (همان: ۱۹۵) اندوه و دلنگی و به طور کلی حالت قبض: «در حال قبض بودم و اندوه من از فقدان وی فراوان و پیاپی بود. تا حق تعالی مرا به صفت جمال و جلال و با نزدیکی خود بیدار نمود.» (همان: ۱۸۷) مراقبه: «بعد از نیمه شب جمعه به مراقب حق تعالی نشستم... پس از آن به صفت جلال و جمال و حسن قدم و روشنی ازل بر من ظاهر شد.» (همان: ۲۱۳) بیماری: «از قضا بیمار شده بودم، شبی تب مرا رها کرد، نیمه شب گذشته بود که بیدار شدم... ناگهان خود را در اتاقی از اتاق‌های ملکوت یافتم که پر از نور شد. حق تعالی بر من ظاهر شد.» (همان: ۱۲۱) دعا و مناجات با خداوند: «در مرتبه نجوا و مناجات‌های شبانه و سیر رازها و اسرار بودم. حق سبحان با آشکاری انوار خود به من محبت کرد.» (همان: ۲۰۴)

#### ۶-۴ طبیعت:

این ویژگی به عنوان آخرین موضوع مورد بحث به شکلی متفاوت از نظریه جیمز در تجربیات روزبهان رخ نموده است، به این معنا که مبدأ مکاشفات همیشه در طبیعت نیست و بسیاری اوقات در منزل وی شروع می‌شود و البته در بسیاری از موارد نیز به آن اشاره‌ای نشده است. اما طبیعت در مکاشفات او نقشی در خور ایفا می‌کند و وی در طول واردات قلبی یا مشاهداتش عناصر مختلفی از طبیعت را می‌بیند و از آن‌ها گذر می‌کند و اتفاقات مختلفی را شاهد است. او بارها از دریا، کوه، صحرا و برخی دیگر از عناصر طبیعت در کشفیاتش یاد می‌کند رمزی بودن یا نبودن آن‌ها موضوعی است که می‌توان با تطبیق آن با کشفیات دیگر آنرا بهتر فهمید. «همچنین گویی بر کوهی از شرق قرار دارم. گروهی از فرشتگان را در آنجا دیدم. از شرق تا غرب دریا بود و چیزی جز آن به چشم نمی‌آمد.» (همان: ۱۰۸).

#### منابع

- آلستون، ویلیام؛ درباره تجربه دینی قدیسه ترزا، ویلیام جیمز، ویلیام آلستون و...، گزیده مایکل پترسون، مترجم: مالک حسینی، چاپ اول، تهران، هرمس، ۱۳۸۹
- جمشیدیان، همایون، نوروزپور، لیلا، چوبینه، مطهره؛ بررسی مکاشفات عرفانی عطار در غزلیات، بر اساس نظریه ویلیام جیمز، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی، س ۱۲، ش ۴۳، تابستان ۹۵، ص ۱۱ تا ۴۱
- جیمز، ویلیام؛ تنوع تجربه دینی، مترجم: حسین کیانی، چاپ اول، تهران، حکمت، ۱۳۹۱
- رازی، نجم الدین؛ مرصاد العباد، به اهتمام محمدامین ریاحی، چاپ دهم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳
- روزبهان بقلی شیرازی؛ کشف الاسرار و مکاشفات الانوار، مترجم: مریم حسینی، چاپ اول، تهران، سخن، ۱۳۹۳
- \_\_\_\_\_؛ عبهر العاشقین، مترجم: هانری کربن و محمد معین، چاپ سوم، تهران، منوچهری، ۱۳۶۶
- زرین کوب، عبدالحسین، ارزش میراث صوفیه، چاپ اول، تهران، آریا، ۱۳۴۴
- شرف الدین روزبهان ثانی؛ تحفه اهل العرفان، به سعی جواد نوربخش، چاپ دوم، تهران، یلدا قلم، ۱۳۸۲
- شعبانی، محسن؛ بی‌خویشی و خویشنداری، نسبت تجربه عرفانی و اخلاق، چاپ اول، تهران، حکمت سینا، ۱۳۹۶

- شفیعی کدکنی، محمدرضا؛ *زبان شعر در نثر صوفیه*، چاپ دوم، تهران، سخن، ۱۳۹۲
- شمیسا، سیروس؛ *بیان*، چاپ هفتم، تهران، فردوس، ۱۳۷۸
- صدری نیا، باقر؛ *فرهنگ مآثورات متون عرفانی*، چاپ اول (ویرایش جدید)، تهران، سخن، ۱۳۸۸
- فاموری، مهدی؛ *نگاهی به مفهوم التباس در نزد شیخ روزبهان بقلی شیرازی*، مطالعات عرفانی دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان، شماره ۱۲، پاییز و زمستان ۸۹، ص ۱۶۳-۱۸۲
- فعالی، محمدتقی، *مکاشفه یا تجربه عرفانی*، نقد و نظر، سال ششم، شماره سوم و چهارم، تابستان و پاییز ۱۳۷۹، ص ۱۶۲ تا ۲۲۱
- قشیری، عبدالکریم؛ *رساله قشیریه*، مترجم: بدیع الزمان فروزانفر، چاپ اول، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱
- کاشانی، عزالدین محمود، *مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه*، تصحیح جلال الدین همایی، چاپ دوازدهم، تهران، سخن و هما، ۱۳۹۴
- ملکیان، مصطفی؛ *روش شناسی مطالعات مقایسه‌ای در عرفان*، چاپ اول، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۷
- میلادی، فرشته، وفایی، عباسعلی؛ *بررسی نقش‌گرایانه تجربه‌های عرفانی در رویا نوشت‌های شهودی کشف الاسرار و مکاشفات الانوار*، پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)، سال دوازدهم، تابستان ۹۷، ص ۸۷ تا ۱۱۶.



پایگاه استنادی علوم جهان اسلام



دانشگاه تربیت مدرس



انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی

دهمین همایش ملی پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹

[www.anjomanfarsi.ir](http://www.anjomanfarsi.ir)